

بازتاب نظام اقتصاد جهانی در تولید و صادرات پنبه ایران از ۱۸۵۰ تا ۱۹۴۱ م / ۱۳۳۹ تا ۱۳۲۰ش

شهرام غلامی*

استادیار گروه تاریخ دانشگاه فرهنگیان

(از ص ۵۹ تا ۷۹)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۱۴؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۶/۰۶/۲۰

چکیده

پنبه یکی از محصولات مهم کشاورزی است که نقش به‌سزایی در اقتصاد کشاورزی و صنایع نساجی دارد. در نیمه دوم قرن نوزدهم به‌علت گسترش تجارت خارجی و ورود ایران به بازارهای اقتصاد جهانی اهمیت پنبه در اقتصاد کشور افزایش یافت و صادرات آن تحت‌تأثیر افت‌وخیز صنایع نساجی سنتی و نوین قرار گرفت. در این پژوهش با رویکرد به نظریه‌ی نظام اقتصاد جهانی والرش‌تاین، نقش پنبه در اقتصاد ایران از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم تا جنگ دوم جهانی و نیز واکنش‌های دولت به‌ویژه در دوره‌ی پهلوی اول، در برابر این مسئله مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین افزایش صادرات پنبه ایران و افزایش واردات منسوجات رابطه معکوسی وجود داشته که متأثر از نظام سرمایه‌داری بین‌المللی بوده است. به همین ترتیب، واکنش برخی از تجار در اواخر دوره‌ی قرن نوزدهم به این مسئله و تلاش دولت ایران در دوره‌ی رضاشاه برای ایجاد صنایع مدرن، نتیجه‌ی بازتاب تحولات بیرونی نظام اقتصاد جهانی بود که صنایع نساجی را پیش‌تاز برنامه‌ی صنعتی‌سازی ایران در دوره‌ی رضا شاه قرار می‌داد.

واژه‌های کلیدی: پنبه، اقتصاد جهانی، صنایع نساجی، صنعتی‌سازی، اقتصاد ایران

۱. مقدمه

ایمانوئل والرشتاین در اثر سه‌جلدی خود با عنوان «نظام نوین جهانی»^۱ تحولات اقتصادی اروپا را از ریشه‌های سرمایه‌داری کشاورزی در قرن شانزدهم، تا ادغام گسترده مناطق جدید جهان در درون نظام اقتصادی در نیمه دوم قرن هجدهم و نیمه اول قرن نوزدهم، مورد بررسی قرار داده است. برطبق نظر او در اوایل سده نوزدهم یک منطقه هسته سرمایه در کشورهای اروپایی پدید آمد که با تولید و صادرات محصولات صنعتی به جذب و استثمار مازاد تولید اقتصادی کشورهای پیرامونی تولیدکننده مواد خام می‌پرداخت. کشورهای نیمه‌صنعتی یا نیمه‌پیرامونی از یک سو واردکننده کالاهای صنعتی از کشورهای پیشرفته بودند و از طرف دیگر کشورهای پیرامونی را به شدت استثمار می‌کردند. سایر کشورهای پیرامونی نیز مانند ایران صرفاً به تولیدکننده مواد خام و واردکننده کالاهای فرآوری‌شده تبدیل شدند و تغییر اقتصادی این کشورها تابع تحولات اقتصادی-سیاسی کشورهای محور سرمایه بود.

در این پژوهش، با رویکرد به این فرض به بررسی تولید پنبه و صنعت پارچه در حدود یک‌قرن از نیمه سده نوزدهم تا جنگ دوم جهانی پرداخته شده است. در این خصوص، پرسش اصلی این است که نوسان تولید پنبه ایران و افت‌وخیز صنایع مربوط به آن در این دوره تا چه میزان تابع تحولات نظام سرمایه‌داری جهانی بوده و چه واکنش‌هایی را برانگیخته است؟ همچنین علل موفقیت یا ناکامی این واکنش‌ها در مقابل نظام سرمایه‌داری جهانی چه بوده است؟

پیش‌ازاین، نویسندگانی چون عبدالله‌یف، نوشیروانی^۲ و عیسوی مطالبی درباره «سراغاز تجاری شدن کشاورزی» و نقش سرمایه‌های خارجی در رشد برخی از بخش‌های اقتصادی ایران نوشته‌اند. برخی نیز مانند احمد اشرف به بررسی «موانع رشد سرمایه‌داری در ایران» پرداخته و جنبه‌های کلی رشد اقتصادی ایران تحت سایه نظام جهانی را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش ضمن اشاره به یافته‌های نویسندگان فوق، با استفاده از سایر منابع کاوش نشده، به ویژه منابع دوره پهلوی اول، بر روی مسئله تولید و صادرات پنبه و پیوند آن با کاهش یا رشد صنایع منسوجات، تمرکز شده است.

چنان‌که در ادامه خواهد آمد، در نیمه دوم قرن نوزدهم بخش اقتصاد کشاورزی ایران با نظام اقتصادی جهانی پیوند بیشتری یافت و به دلیل نوسان تحولات اقتصادی جهانی روند روبه‌رشدی یافت. در نتیجه، ایران به تولیدکننده مواد خام کشاورزی برای کشورهای

صنعتی و واردکننده کالاهای صنعتی از این کشورها مبدل شد. پیامد مستقیم این مسئله، از یک طرف، افزایش تولید و صادرات برخی از محصولات کشاورزی مانند پنبه و از طرف دیگر، از بین رفتن صنایع سنتی داخلی بود. همچنین، با صنعتی شدن روسیه به عنوان یک کشور نیمه پیرامونی و گسترش شبکه ریلی این کشور در شمال مرزهای ایران، کشاورزی مناطق شمالی ایران کاملاً وابسته به بازارهای روسیه شد و تولید پنبه برای صادرات به این کشور رشد کرد. در دوره پهلوی اول نیز نوسان تولید پنبه بیشتر تابع سیاست‌های بازرگانی و برنامه‌های صنعتی این کشور و تحولات اقتصادی اروپا بود.

۲. تأثیر تحولات اقتصاد جهانی در تولید و صادرات پنبه ایران

مهم‌ترین تحولات بین‌المللی که در این دوره مورد پژوهش در نوسان تولید و صادرات پنبه ایران مؤثر بود، عبارت بودند از: جنگ‌های داخلی آمریکا، صنعتی شدن روسیه، جنگ اول جهانی و سیاست‌های بازرگانی روسیه پس از جنگ و بحران اقتصادی ۱۹۳۰.

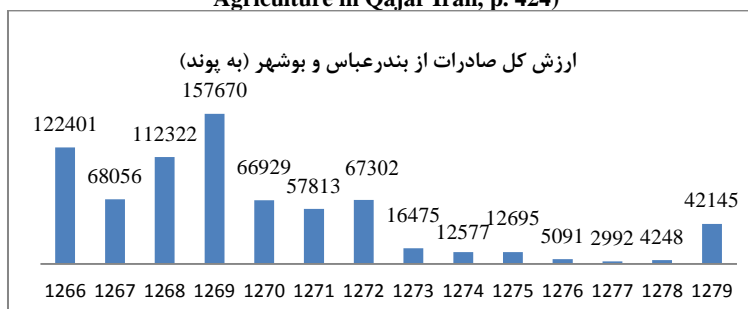
۱.۲. جنگ‌های داخلی آمریکا ۴۴-۱۲۴۰ ش.

با ورود ایران به بازار اقتصاد جهانی، تحولات سیاسی - اقتصادی جهان به تدریج اثرات خود را در میزان تولید و صادرات محصولات کشاورزی ایران نشان می‌داد. آمریکا در سده نوزدهم به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده پنبه جهان، مواد خام صنایع نساجی اروپا به ویژه انگلستان را تأمین می‌کرد. در نتیجه جنگ‌های داخلی آمریکا و کاهش تولید پنبه و بالا رفتن قیمت آن، برخی از کشورهای صنعتی مصرف‌کننده، در صدد یافتن راه‌های جدیدی برای افزایش تولید پنبه در کشورهای دیگر افتادند. از جمله انگلیسی‌ها در صدد افزایش تولید در مصر و سوریه برآمدند (عیسوی، ۱۳۶۲: صص ۷۷-۱۷۶). بنابراین، تولید پنبه در این مدت ترقی چشمگیری پیدا کرد و ارزش کل صادرات آن به ۱۲ میلیون پوند رسید که در کل ۱۰ برابر ارزش صادرات آن در آغاز جنگ اول جهانی بود (جمالزاده، ۱۳۷۶: ص ۱۷). گذشته از این، افزایش تقاضا در اروپا، تولید و تجارت در نواحی جنوبی کشور را دگرگون کرد. پیش از سال ۱۲۴۰ صادرات پنبه از مسیر خلیج فارس سابقه نداشت؛ اما در این سال مبلغ ۱۹/۲۰۰ روپیه از خلیج فارس صادر شد و به علت افزایش قیمت ۷۰۰ درصدی پنبه در ۱۲۴۲ ش. بسیاری از مالکان تصمیم به کشت پنبه گرفتند (Floor, 2003: p.422). در نتیجه ارزش صادرات پنبه در این سال به ۱/۶۱۴/۰۶۰ روپیه افزایش یافت و در ۱۲۴۲-۴۴ ش. این رقم به ۶/۷۹۳/۸۴۵ روپیه رسید (عیسوی، پیشین، ص ۳۷۷). به این ترتیب، تجارت پنبه در بوشهر همانند جاهای دیگر، در نتیجه جنگ داخلی

آمریکا نیروی محرکه فراوانی به دست آورد. در این سال ۶۰/۰۰۰ من تبریز پنبه بارگیری کشتی شد و گفته می‌شد طی فصل آینده ممکن است ده‌برابر این مقدار روانه بازار شود. قیمت‌ها چنان افزایش یافت که حتی از یک‌فاصله دور در تبریز در حدود ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ مایل پنبه با قاطر وارد بوشهر و از آنجا صادر می‌شد. در ایالت فارس نیز کشت پنبه چنان با سرعت گسترش یافت که صادرات از طریق بوشهر از ۶۶۰/۰۰۰ کیلوگرم در ۱۲۴۱-۴۲ ش. (به ارزش ۱/۶ میلیون روپیه) به ۳/۳ میلیون کیلوگرم (به ارزش ۶/۷ میلیون روپیه) در ۱۲۴۳-۴۴ ش. رسید که ۵۰ درصد رشد داشت (Floor, 2003, p. 422). صادرات پنبه از مسیر تبریز به بندر ماریسی نیز چشمگیر بود، به نحوی که از یک مقدار ناقابل، به ۱۳/۰۰۰ عدل (هر عدل ۲۰۰ پوند= تقریباً ۱۲۰۰ تن) در ۱۲۴۵ افزایش یافت. باین‌حال، بعد از پایان جنگ داخلی آمریکا، صادرات پنبه از طریق بوشهر سقوط کرد و در ۱۲۴۶ برای مدتی هیچ پنبه‌ای از اصفهان به هند صادر نشد (عیسوی، پیشین، ص. ۳۷۷) (جدول ۱). درنهایت در دهه پایانی سده نوزدهم، در پی افزایش صادرات به روسیه و کاهش تقاضای اروپا پس از پایان جنگ‌های داخلی آمریکا، صادرات پنبه از گمرکات جنوب به کلی کاهش یافت و حتی پنبه ایالات جنوبی ایران مانند فارس و کرمان در این اواخر بیشتر به روسیه صادر می‌شد (کلیدو، ۱۳۸۶: ص ۱۴۶). ظاهراً علت آن بود که پنبه ایران به دلیل کیفیت نامطلوب و الیاف کوتاه، مورد توجه مصرف‌کنندگان بازارهای اروپایی نبود (عیسوی، پیشین، صص ۳۷۷-۷۸).

جدول ۱- ارزش صادرات پنبه از بوشهر و بندرعباس (۱۲۷۹-۱۲۶۶ ش). به پوند. (Willem Floor)

Agriculture in Qajar Iran, p. 424



۲.۲. رشد صنایع و گسترش شبکه ریلی روسیه

به‌دنبال بحران داخلی آمریکا، روس‌ها نیز برای کاهش وابستگی به پنبه این کشور، به تولید پنبه در آذربایجان ایران بیشتر توجه کردند و در بین زمین‌داران محلی بذر پنبه چارلستون را با شرایط بسیار مطلوبی توزیع می‌کردند (سیف، ۱۳۸۷: ص ۲۱۳). در ایالت

خراسان نیز اقداماتی برای تشویق تولید پنبه انجام دادند، آن‌ها برای انجام این کار بذر در اختیار کشاورزان قرار می‌دادند و محصولات آن‌ها را پیش‌خرید می‌کردند (سیف، ۱۳۷۸: صص ۱۵-۲۱۴). از دیگر علل توجه بازرگانان روس به خرید پنبه ایران، پایین بودن حقوق گمرکی پنبه ایران نسبت به پنبه وارداتی از اروپا و مرزهای دریای سیاه بود. به‌نحوی که هزینه گمرکی و راه‌های زمینی از ایران به روسیه، ۱۰٪/مشابه آن از طریق دریای سیاه بود. در نتیجه‌ی این اقدامات تا ۱۲۷۹ش. نواحی زیر کشت پنبه در خراسان دو برابر شد. تا پیش از جنگ اول جهانی بر اثر رقابت تجار روسی و انگلیسی، در مناطق مرکزی ایران مانند اطراف رفسنجان، زراعت پنبه رواج کلی یافته بود (کیهان، ۱۳۱۶: ص ۴۲۲).

رشد صنایع روسیه و سیاست گمرکی این کشور در قبال پنبه وارداتی از اروپا، عامل دیگری بود که زمینه رشد صادرات پنبه از ایران به روسیه را فراهم می‌کرد. برای نمونه صادرات پنبه به روسیه از ۷/۸۰۰ عدل در ۱۲۴۵ش، به ۵۴/۰۰۰ عدل در ۱۲۴۹ش. افزایش یافت. علاوه بر این، روسیه در ۱۸۷۷م/۱۲۵۶ش. حق عوارض گمرکی پنبه وارداتی آمریکایی از طریق دریای سیاه و مرزهای اروپا را هر پوند (۳۶ کیلو) به ۴ روبل و ۱۵ کُپک (۶ سنت و ۳ پنی) افزایش داد در حالی که برای همان مقدار پنبه وارداتی از ایران فقط ۴۰ کُپک، یعنی ۳/۷۵ روبل (= ۵ پنی) دریافت می‌کرد و این مسئله باعث رشد صادرات ایران به روسیه می‌شد (عیسوی، همان؛ Floor, 2003:p. 227).

در همین دوره چندین شرکت روسی مستقیماً به کار صادرات پنبه ایران می‌پرداختند که از این جمله می‌توان به کمپانی روزنبلوم (Rosenblum) و اوسر (Osser) اشاره کرد که در بافروش (بابل) به صدور پنبه مشغول بودند (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۵۲). به‌طور کلی تا پایان سده نوزدهم صادرکنندگان ارمنی روسیه، ۱۷ تا ۲۶ کارخانه پنبه‌پاک‌کنی در مازندران و خراسان تأسیس کردند که در مجموع، ۲۳۷ نفر در این کارگاه‌ها مشغول به کار بودند (Floor, p. 225؛ اشرف، ص ۹۹). به‌همین ترتیب تعدادی از تجار ایرانی با همراهی روس‌ها و یا به‌طور مستقل تعداد زیادی کارخانه پنبه‌پاک‌کنی دایر کردند که در مجموع ۹ کارگاه در ایالات مازندران و خراسان تأسیس شد که ۱۴۴ نفر در آن‌ها مشغول به کار بودند. همچنین پنج کارخانه دیگر در شهرهای آمل، بابل، میان‌آباد و جوبین تأسیس شد که از ملیت صاحبان آن اطلاعی در دست نیست، اما به‌احتمال زیاد از اتباع روسیه بودند (اشرف، ۱۳۵۹: صص ۸۵، ۹۸).

برای افزایش تولید و بهبود کیفیت پنبه نیز کارگزاران روسی در ۱۲۶۰ ش. مقدار ۲/۳۰۰ کیلوگرم بذر پنبه آمریکایی وارد کردند که کاشت آن در مازندران، خراسان، آذربایجان و اصفهان، موفقیت‌آمیز بود. این پنبه دو برابر پنبه‌ای که از بذر ایرانی کاشته می‌شد، بلندتر بود. روس‌ها همچنین در ۱۲۷۳ ش. توزیع بذر پنبه آمریکایی را به صورت رایگان آغاز کردند. پنبه‌ای که از ایران وارد روسیه می‌شد تنها ۵٪ عوارض گمرکی می‌پرداخت، در حالی که عوارض گمرکی برای پنبه آمریکای وارداتی به روسیه بسیار بالاتر بود (Floor, 2003: p. 227). به این ترتیب پایین بودن تعرفه گمرکی روسیه برای پنبه ایرانی در مقابل پنبه وارداتی از آمریکا، توان رقابتی پنبه صادراتی ایران را افزایش می‌داد و می‌توانست عامل مثبتی برای تولید پنبه در ایالات شمالی ایران باشد.

در دوره‌ی پس از جنگ اول جهانی نیز فعالیت مؤسسات بازرگانی روسیه برای افزایش تولید پنبه ایران بالا گرفت. در کرمانشاه، روس‌ها سعی می‌کردند تا مالکان را به تولید پنبه تشویق کنند و در این خصوص به آن‌ها مساعده پولی و بذر می‌دادند. البته با توجه به محافظه‌کاری دهقانان، روس‌ها در این کار توفیق زیادی به دست نیاوردند (Burrell, 1997: vol.3, p.322). نمایندگان شرکت و کنسول‌های روسی برای تولیدکنندگان ایرانی بذر پنبه آمریکایی و دیگر گونه‌های مناسب آن را تهیه می‌کردند. اما بنابر علل مختلف، از جمله نتایج نامیدکننده کشت آزمایشی این محصول و نیز شرایط تحمیلی بر فروشندگان، بذر پنبه آمریکایی توسعه جدی نیافت (Burrell, Ibid, p.218). پس از این، روس‌ها برای توسعه تجارت پنبه، شرکت مختلط ایرانی- روسی پرسخلوپوک Perskhopouk را تأسیس، و سیزوار را به عنوان مرکز عملیات خرید پنبه خراسان انتخاب کردند و افراد زیادی در آنجا مشغول به کار شدند. آن‌ها همچنین یک کارخانه پنبه پاک‌کنی در قم تأسیس کردند که ۱۵۰۰ نفر در آن مشغول به کار بودند (Burrell, Ibid, pp.48,348).

نیاز روس‌ها به پنبه ایران برای ادامه فعالیت صنایع نوپای خود پس از جنگ به گونه‌ای بود که حتی پس از ممنوع کردن واردات کالاهای کشاورزی ایران و افغانستان برای حفظ ارزش پولی خودشان، واردات پنبه ایرانی را از این قانون مستثنی کردند (طاهر احمدی، ۱۳۸۴: صص ۸۳-۸۰) اما در مقابل آن‌ها برای وابستگی بیشتر ایران به کالاهای تولیدی این کشور، ترانزیت آزاد پارچه‌های پنبه‌ای از طریق روسیه به ایران را ممنوع کردند (رشیدی، ۱۳۸۶: ص ۱۱۱). تا ۱۳۱۰ ش. واردات پارچه‌های پنبه‌ای از روسیه ۵۵٪ کل واردات ایران را تشکیل می‌داد و برطبق قرارداد بازرگانی ۱۳۱۷ ش، ایران در مقابل

واردات ۱۲۰ میلیون ریال پارچه از روسیه، تنها به ارزش ۷۵ میلیون ریال پنبه و پانزده میلیون ریال پشم به این کشور صادر می‌کرد (رشیدی، همان، ص ۱۱۳؛ طاهر احمدی، پیشین، ص ۱۳۶).

به‌هرحال، در نتیجه افزایش تقاضا در روسیه و فعالیت شرکت‌های بازرگانی این کشور تولید و صادرات پنبه در ایالات شمالی ایران به شکل چشمگیری افزایش یافت. به‌موجب آمار شرکت پرسخلوپک در سال ۱۳۰۸ ش.، ۶۲٪ کل پنبه ایران در ایالات خراسان، مازندران، استرآباد و آذربایجان تولید می‌شد که از این مقدار ۲۶٪ آن در ایالت خراسان تولید می‌شد و بعد از آن مازندران با ۲۰ و استرآباد با ۱۱/۵ درصد مقام دوم و سوم را داشتند. مطابق این آمار، مساحت پنبه‌کاری ایران در سال ۱۳۱۰ ش. با ۱۵ درصد افزایش به ۱۰۰ هزار هکتار رسید که در حدود ۱۹ هزار هکتار آن زیرکشت پنبه آمریکایی بود. بر اساس همین گزارش، کشت پنبه آمریکایی نسبت به دوره جنگ پنج‌برابر شده بود (روزنامه اطلاعات، ۱۱ خرداد ۱۳۱۰، ش. ۱۳۳۰، ص ۳).

در نتیجه افزایش تقاضا از سوی روسیه و برنامه‌های اقتصادی دولت برای کسب درآمدهای بیشتر، به تدریج محصول پنبه صادراتی کشور به‌ویژه در خراسان افزایش یافت. از ۱۳۱۲ به بعد در اثر تلاش‌های دولت و گسترش فعالیت شرکت‌های بازرگانی روسی، تولید پنبه در فارس، کرمان و خوزستان نیز که پیش از آن کشت نمی‌شد، توسعه یافت. برای نمونه تا ۱۳۱۵ زراعت پنبه در منطقه جبال بارز کرمان معمول نبود اما تا ۱۳۱۶، در حدود ۳۰۰۰ هکتار به کشت پنبه اختصاص یافت (مج. مدرسه عالی فلاح کرج، ش. ۵، ۱۳۱۴، ص ۱۳۳؛ نامه کشاورزی، ش. ۴، ۱۳۲۰، ص ۲۴۹؛ بهرامی، ۱۳۳۳: صص ۳۰۷ و ۳۲۶).

۳.۲. افزایش واردات منسوجات پنبه‌ای

افزایش قیمت پنبه در بازارهای جهانی، به همان میزان که در افزایش صادرات پنبه مؤثر بود، بر افزایش واردات منسوجات در کل، و به‌ویژه پارچه‌های پنبه‌ای اثر گذاشت. تا نیمه دوم قرن نوزدهم منسوجات بخشی از کالاهای صادراتی ایران را تشکیل می‌داد و تا حدی نیاز مناطق فقیر قفقاز و آسیای میانه را تأمین می‌کرد و همچنان تا دهه ۱۲۵۰ ش. به مقدار زیاد به این مناطق صادر می‌شد (Sayf, 2003: p. 56). پس از بحران داخلی آمریکا و کاهش تولید در این کشور، چون تقاضا برای پنبه در انگلستان و سایر کشورهای صنعتی بالا گرفت، صادرات پنبه در ایالات شمالی ایران از جمله آذربایجان به شدت افزایش یافت. اما پس از آن، با کاهش تقاضا، مردمان نواحی ارومیه، خوی، سلماس و تبریز که با عدم امکان بازاریابی برای محصولاتشان مواجه شدند، «دریافتند

که تنها پارچه‌بافی است که می‌تواند سود خوبی از محصولاتشان را به آن‌ها برساند»، به این ترتیب تا ۱۲۵۶ ش، صادرات منسوجات به قفقاز دوباره افزایش یافت. هرچند پارچه‌های ایران «بسیار بد و با پنبه نامرغوب تولید می‌شد»، به علت اینکه قیمت آن بسیار پایین بود، در سرزمین قفقاز خریداران زیادی داشت. از سوی دیگر درست در همین زمان افزایش تعرفه‌های گمرکی روسیه تأثیر ویرانگری بر صادرات منسوجات ایرانی به ویژه پارچه‌های ابریشمی زردوزی شده و پارچه‌های گل‌دار به قفقاز داشت. علاوه بر این، رشد سریع صنایع روسیه باعث شد تا تجارت این کالا روند معکوسی به خود بگیرد. برای نمونه صدور منسوجات ایرانی به روسیه که در سال‌های ۵۷-۱۲۵۴ ش. به‌طور متوسط ۶۴۹/۰۰۰ روبل بود، در سال ۶۶-۱۲۶۴ ش. به ۱۹۷/۰۰۰ روبل کاهش یافت و این مقدار در ۱۲۷۰ بیشتر سقوط کرد (عیسوی، پیشین، ص ۴۶۷ و ۴۶۸).

پارچه‌های ارزان خارجی که گرچه نسبت به پارچه‌های تولید داخلی کیفیت و دوام زیادی نداشت، چون بسیار رنگارنگ و دارای طرح‌های متنوعی بود به تدریج بسیاری از صنایع نساجی داخلی ایران را از بین برد. ابتدا حداقل برخی از پارچه‌بافان اصفهان برای حفظ موجودیت خود و حفظ بازار ناچار شدند تا پود قدک‌ها را با نخ فرنگی درست کنند اما درست کردن پارچه با تاروپود التقاطی ایرانی و فرنگی علاوه بر بدترکیب کردن پارچه، از دوام و لطافت آن نیز می‌کاست. در نتیجه، صنف نخ‌ریسان نساجان به کلی ورشکست و بیکار شدند و تعداد صنف پارچه‌بافان این شهر که در حدود ۱۰٪ کل اصناف بود، نصف شد. با این حال، ورشکستگی صنایع نساجی سنتی و واردات نخ اروپایی نه تنها باعث کاهش تولید پنبه نشد، بلکه صادرات آن را موقتاً افزایش داد و در نتیجه باعث افزایش قیمت سایر محصولات نیز شد (تحویلدار، ۱۳۴۲: صص ۱۰۱-۱۰۲).

در فاصله سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۸ ش. منسوجات به‌طور متوسط بین ۳۵ تا ۴۰ درصد کل واردات ایران را تشکیل می‌داد. برای نمونه از حدود ۳۸۱ میلیون قران واردات ایران در سال ۱۲۸۸ ش.، تقریباً ۱۴۸ میلیون قران (۳۹ درصد) واردات انواع پارچه و نخ بود و حدود ۱۴۵ میلیون آن را تنها پارچه‌های پنبه‌ای خالص یا مخلوط تشکیل می‌داد. به همین ترتیب از حدود ۴۱۹ میلیون قران واردات سال ۱۲۸۹ تقریباً ۱۸۰ میلیون (حدود ۴۳ درصد) را پارچه تشکیل می‌داد (جمالزاده، ۱۳۷۶: جدول صص ۱۱ و ۱۲).

به هر حال، در نتیجه رقابت پارچه‌های خارجی بیشتر صنایع نساجی ایران اعم از پنبه و ابریشم به تدریج از بین رفت. نابودی صنایع دستی نساجی در مناطق مرزی مانند گیلان

و آذربایجان که سرعت انتقال واردات منسوجات خارجی بیشتر بود، سریع‌تر از نواحی داخلی ایران اتفاق افتاد، چراکه در مناطق داخلی احتمالاً به علت مشکلات ارتباطی و موانع دیگر، تولید منسوجات پنبه‌ای برای مصرف محلی برای مدت طولانی‌تری مقاومت کند. بنابر برآورد الکساندرخودزکو در نیمه دوم قرن نوزدهم از ۷۶۶ کارگاه ابریشم‌بافی گیلان تنها ۳۵ مورد باقی‌مانده بود (Sayf, 2003: p. 51). همچنین از ۱۲۰۰ کارگاه ابریشم‌بافی مشهد تا سال ۱۲۹۴ تنها ۱۵۰ تا ۲۰۰ واحد مانده بود (جمالزاده، ۱۳۷۶: ۷۹). در نتیجه، فروش خام پنبه و ابریشم برای تولیدکنندگان سودآورتر بود.

با ورشکستگی صنایع دستی پارچه‌بافی ایران، صادرات انواع پارچه کاهش یافت و در عوض واردات منسوجات روسی و اروپایی بالا رفت. به‌گونه‌ای که واردات منسوجات روسی به گیلان از ۵/۱۶۴ پوند در ۴۸-۱۲۴۴ ش. به ۳۲۴/۸۱۰ پوند در ۵-۱۲۸۴ و واردات منسوجات اروپایی از ۶۸/۱۸۰ پوند در ۱۲۲۳ ش. به ۱۱۲/۸۸۰ پوند در ۵۹-۱۲۵۳ ش. افزایش یافت. در مقابل، میانگین سالانه صادرات منسوجات ایران از نواحی مرکزی کشور برای ترکیه و قفقاز از ۹۴/۰۰۰ پوند در ۱۲۴۵، به ۵/۸۹۳ پوند در ۷۴-۱۲۷۲ ش. کاهش یافت (Sayf, Ibid, p.52).

درصد واردات و صادرات پنبه و منسوجات پنبه‌ای و پشمی در کل تجارت خارجی ایران (چارلز عیسوی تاریخ

اقتصادی ایران، ص ۲۰۶)

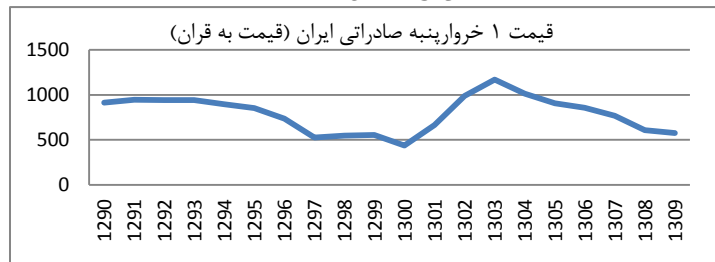
واردات عمده (درصد کل)			
۱۲۳۰ ش.	۱۲۵۰ ش.	۱۲۸۱-۲ ش.	
۴۳	۴۸	۳۰	پارچه‌های پنبه‌ای
۲۳	۱۵	۵	پارچه‌های پشمی و ابریشمی
صادرات عمده (درصد کل)			
۳۸	۱۸	۵	ابریشم و تولیدات آن
۲۳	۱	۱	پارچه‌های پنبه‌ای و پشمی
۱	۷	۱۹	پنبه خام

۳. جنگ جهانی اول و بحران اقتصادی ۱۹۳۰

باتوجه به آمارهای موجود در چند دهه پایانی قرن نوزدهم تا شروع جنگ اول جهانی، صادرات پنبه ایران پیوسته رشد چشمگیری داشت. برای نمونه مقدار صادرات پنبه ایران در ۱۲۸۲ ش. ۱۹۰۳ م. در حدود ۱۲/۳۲۴ تن به ارزش ۱۹/۴ میلیون قران بود که به تدریج ترقی کرد و در ۱۲۹۱ ش. به ۲۹/۷۰۹ تن به ارزش ۹۳/۸ میلیون قران رسید. اما بعد از آن به‌علت وقوع جنگ اول جهانی و نابودی صنایع، تولید و صادرات پنبه کاهش یافت، به‌گونه‌ای که صادرات آن در ۱۳۰۰ به مقدار ۲/۰۷۸ تن با ارزش معادل ۳ میلیون قران تنزل پیدا کرد. به عبارت دیگر صادرات پنبه در فاصله سال‌های ۱۲۹۱ تا ۱۳۰۰ از لحاظ

وزن حدوداً ۱۵ برابر و از لحاظ ارزش ۳۱ برابر کاهش یافت (مج. مدرسه عالی فلاحت کرج، ش. ۱، س. ۱۳۰۹، ص ۴).

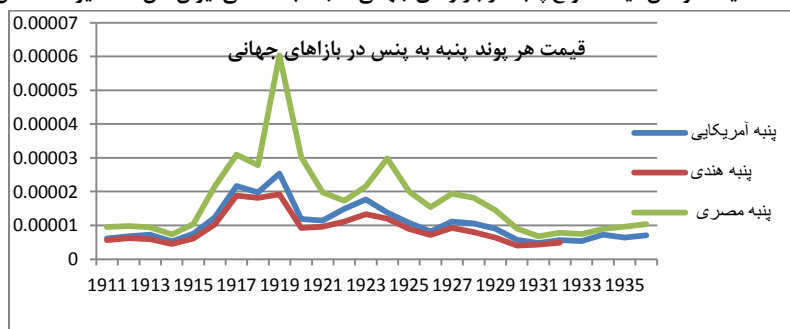
نمودار ۱-نوسان قیمت پنبه صادراتی ایران قبل و بعد از جنگ اول جهانی (مسعود کیهان، جغرافیای اقتصادی ایران، ج ۳، صص ۱۳۰-۱۲۷)



یکی از علل کاهش تولید پنبه ایران بعد از جنگ، کاهش تقاضای روسیه بود. به طوری که در نتیجه انقلاب‌های داخلی این کشور، صادرات ایران به روسیه در ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ به حدود ۵ خروار یعنی پایین‌ترین حد خود رسید (پیشین، ص. ۶). اما بعد از پایان جنگ و بهبود وضعیت اقتصادی جهان، تولید و صادرات پنبه ایران نیز به تدریج افزایش یافت و در ۱۳۰۵ به بیش از ۳۰ هزار تن رسید (مج. بانک ملی ایران، ش. ۱۳، س. ۱۳۱۶، ص. ۱۶). بار دیگر در نتیجه اختلاف تجاری ایران و روسیه میزان صادرات در ۱۳۰۷ به ۲۰/۵۰۲ تن به ارزش ۳۹/۸ میلیون قران کاهش یافت که از لحاظ وزن هنوز حدود دوسوم صادرات سال ۱۲۹۱ بود. در حالی که از لحاظ ارزش این مقدار به مراتب پایین‌تر بود. در ۱۲۹۱ قیمت یک خروار پنبه صادراتی ایران ۹۴۰ قران بود اما این رقم در ۱۳۰۸ به خرواری ۷۹۵ قران به فروش می‌رسید. این در حالی بود که پنبه صادراتی ایران از لحاظ کیفیت به نسبت بهتر شده بود (مج. مدرسه عالی فلاحت کرج، ش. ۱، س. ۱۳۰۹، صص ۲-۳). به طور کل قیمت جهانی پنبه در سال‌های جنگ به علت کاهش نیاز صنایع بافندگی کشورهای صنعتی به تدریج پنبه پایین آمد و تا ۱۳۰۰ به پایین‌ترین حد خود رسید. یکی دیگر از علل پایین آمدن ارزش پنبه صادراتی ایران، این بود که به رغم کاهش تقاضای کشورهای صنعتی، تولید جهانی این محصول افزایش یافت. همچنین، افزایش تولید نخ مصنوعی به عنوان یک کالای جایگزین احتمالاً در کاهش قیمت جهانی پنبه مؤثر بود. مثلاً تولید آمریکا از ۷۱۰ تن در ۱۲۹۲ به ۱۱۶ هزار تن در ۱۳۱۴، و تولید انگلستان در همین مدت از ۵ هزار تن به حدود ۵۰ هزار تن و تولید جهانی آن از ۱۴ هزار تن به ۴۶۲ هزار تن افزایش یافت (League of Nations, 1927&1936). گذشته از این، بیشتر پنبه ایران به روسیه صادر می‌شد و این کشور تقریباً انحصار خرید پنبه ایران را در دست

داشت، اما در سال‌های بعد از جنگ، تولید پنبه این کشور به‌خصوص در قسمت‌های فرغانه و ماوراءالنهر تقریباً دو برابر شد. اراضی تحت کشت پنبه روسیه در این منطقه که قبل از جنگ اول جهانی حدود ۶۳۵/۰۰۰ جریب بود، در ۱۳۰۸ به ۱/۰۳۶/۰۰۰ جریب رسید و میزان تولید آن از حدود ۱۹۵ هزارتن در هنگام جنگ، به حدود ۳۲۲ هزارتن در ۱۳۰۸ و بیش از ۵۸۵ هزارتن در ۱۳۱۵ افزایش یافت (مج. مدرسه عالی فلاح، پیشین، ص. ۶؛ مج. بانک ملی ایران، ش. ۱۳، ص. ۳). در آمریکا نیز علی‌رغم کاهش سطح زیرکشت پنبه این کشور از ۱۶/۳ میلیون هکتار به ۱۲/۱ میلیون هکتار در سال‌های پس از بحران اقتصادی، به علت مراقبت بیشتر، سطح تولید همچنان افزایش یافت و این امر در کاهش قیمت جهانی پنبه تأثیر داشت (مج. بانک ملی، ش. ۱۲، ص. ۱۳۱۶، ص. ۵۰).

نمودار ۲- مقایسه نوسان قیمت انواع پنبه در بازارهای جهانی (مجله بانک ملی ایران، ش. ۱۳، تیر ۱۳۱۶، ص. ۹)



یکی دیگر از عوامل محدودیت عرضه پنبه ایران به بازارهای جهانی، پایین بودن کیفیت محصول و افزایش هزینه‌های تجاری به خاطر دوری از بازارهای مصرف بود. پنبه جنوب و مرکز ایران به خاطر نامرغوبی جنس، کوتاهی الیاف و گرانی حمل‌ونقل از راه‌های عرابه‌رو از مراکز زراعی تا زمانی که به بنادر جنوبی یا راه آهن عراق و یا زاهدان می‌رسید، بسیار گران تمام می‌شد و برای خریداران در بازارهای لیورپول، بمبئی و اروپا جذابیتی نداشت. با این حال تنها مقدار کمی از آن برای مخلوط کردن با پنبه بومی هند یا تقلب در دیگر انبارها به هند می‌رفت (Burrell, 1997: p. 218). مثلاً در ۱۳۱۴ ش. قیمت یک‌تن پنبه بومی ایران در بازار هامبورگ ۸۰۰ مارک و قیمت یک تن پنبه ایرانی از بذر آمریکایی بین ۱۱۰۰ تا ۱۱۸۰ مارک بود درحالی‌که در حدود ۲۰ درصد قیمت آن، هزینه حمل از راه دریا می‌شد اما انتقال ۱ تن پنبه مصری از بنادر این کشور به بازارهای اروپایی در حدود ۱۵ شیلینگ کمتر از پنبه ایران هزینه داشت. علاوه بر این صاحبان کارخانه‌های منسوجات اروپایی می‌توانستند برای رفع نیاز خود جنس اعلای پنبه

آمریکا و مصر را با قیمت پایین و به وعده طولانی خریداری نمایند که این امر در ایران غیرممکن بود (اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۱۴، کارتن ۵۲، پرونده ۷۲).

در دهه ۱۳۱۰ با توجه به کاهش تقاضای روسیه و تغییر نظام بازرگانی این کشور، ایران نیز مجبور بود تا با انحصار تجارت خارجی، بازارهای جدیدی از جمله ژاپن و آلمان برای صدور پنبه پیدا کند. متقابلاً ژاپن نیز که از سویی به توسعه صادرات محصولات نساجی خود نیاز داشت و از سوی دیگر کارخانه‌های این کشور توان رقابت با کارخانه‌هایی انگلیسی نداشتند، از جنس پنبه پست کشورهای شرقی که در اروپا خریداری نداشت، استقبال می‌کرد. بنابراین ژاپن خریدار جدید پنبه ایران شد و صادرات ایران به این کشور افزایش یافت. به این ترتیب آلمان و ژاپن که تا ۱۳۱۰ تقریباً هیچ سهمی در صادرات پنبه ایران نداشتند، به تدریج سهم قابل توجهی از صادرات ایران به دست آوردند. به خصوص از ۱۳۱۷ به بعد که صادرات ایران به روسیه محدود شد، تقریباً تمام پنبه ایران به ژاپن و آلمان صادر می‌شد. در نتیجه سهم آلمان از صادرات پنبه ایران از ۱۵٪ در ۱۳۱۱ به ۸۵٪ در ۱۳۲۰ و سهم ژاپن از ۰٫۲ درصد در ۱۳۱۱ به ۴۲٪ در ۱۳۱۸ افزایش یافت. میزان صادرات پنبه ایران و سهم هر کشور از کل صادرات (بر حسب تن) (مجله بانک ملی ایران، ش ۱۳، تیر ۱۳۱۶، صص ۲۶-۲۷ و آمار بازرگانی ایرانیا کشورهای خارجه در ۱۳۲۵، ص ۲۵)

سال	کل صادرات	شوروی		آلمان		ژاپن	
		وزن	درصد	وزن	درصد	وزن	درصد
۱۳۰۸	۱۴۴۹۸/۴	۱۴۲۲۵/۷	/۹۸	---	---	---	---
۱۳۰۹	۱۰۱۱۳/۷	۹۹۰۸/۸	/۹۸	---	---	---	---
۱۳۱۰	---	---	---	۶۸/۳	/۴	---	---
۱۳۱۱	۱۵۱۳۰	۹۴۹۰	/۶۳	۲۲۳۰	/۱۵	۳۴	/۰۲
۱۳۱۲	۲۷۰۶۸	۹۸۴۰	/۳۶	۱۰۳۳۰	/۳۸	۳۸۷۰	/۱۴
۱۳۱۳	۳۶۸۲۰	۱۹۸۲۰	/۷۴	۳۶۵۰	/۱۴	۱۳۲۰	/۱۵
۱۳۱۴	۱۶۷۴۴	۱۳۹۹۰	/۸۳	۲۰۴۰	/۱۲	۱۹	/۰۱
۱۳۱۵	۱۸۱۰۵	۱۸۰۳۱	/۹۹	---	---	---	---
۱۳۱۶	۱۹۷۶۴	۱۸۲۰۰	/۹۲	۱۵۶۱	/۸	---	---
۱۳۱۷	۱۰۳۲۶	---	---	۷۶۲۸	/۷۴	۲۶۹۴	/۲۶
۱۳۱۸	۲۰۹۹۲	---	---	۹۵۴۲	/۴۵	۸۷۵۱	/۴۲
۱۳۱۹	۱۹۸۳۶	۵۷۶۱	/۲۹	۱۱۳۶۹	/۵۷	---	---
۱۳۲۰	۴۷۳۵	۶۲۵	/۱۳	۳۹۵۲	/۸۵	---	---

۴. واکنش‌های داخلی به تغییرات الگوی سرمایه‌داری جهانی

۱.۴. توسعه کشت پنبه

در نیمه دوم قرن نوزدهم با توجه به نیاز بازارهای جهانی، تولید پنبه در ایران نیز خواه‌ناخواه مورد توجه قرار گرفت. در زمان صدارت امیرکبیر، یک کشیش آمریکایی بذر

پنبه آمریکایی را وارد ایران کرد و در اطراف ارومیه به کشت آن پرداخت. بعدها با توجه به موفقیت آمیز بودن نتیجه‌ی کاشت آن، به دستور امیرکبیر مقدار بیشتری از این نوع تخم پنبه به ایران وارد و برای کشت بین کشاورزان توزیع شد (روزنامه وقایع اتفاقیه، ش ۳۶ و ۵۶، س ۱۲۶۷ ق). برای تشویق مردم به زراعت این پنبه، حکم شد تا شیوه‌ی کاشت آن در روزنامه‌ی وقایع اتفاقیه چاپ شود. بنابراین در شماره‌های روزنامه شرحی درباره‌ی شیوه‌ی کشت این محصول نگارش یافت. ابتدا مقداری از بذر این نوع پنبه در میان مالکان اطراف تهران پخش شد و در امیرآباد (تهران)، خیرآباد و ورامین از این نوع بذر کاشته شد (همان، ش ۶۵، ۷۹ و ۸۵، س ۱۲۶۸). علاوه بر این، مقداری بذر آمریکایی میان پنبه‌کاران آذربایجان توزیع شد (اعتمادالسلطنه، ج ۳، صص ۲۱۹-۲۱۳).

در اوایل حکومت پهلوی مهم‌ترین مناطق تولید پنبه ایران ایالت‌های مازندران، استرآباد، خراسان، اصفهان، تهران و آذربایجان بود. در سایر مناطق مانند همدان، کرمانشاه، قزوین، اراک و سمنان نیز تولید می‌شد اما بیشتر تولید پنبه به مصرف محلی می‌رسید (League of Nations, 1927: p. 46). با توجه به برنامه‌های اقتصادی دولت برای صنعتی کردن کشور و ایجاد درآمد به منظور واردات کالاهای سرمایه‌ای، لازم بود تا هزینه این اقلام از طریق فروش محصولات کشاورزی به صورت پایاپای با کشورهای روسیه، اروپای شرقی، آلمان، و در نهایت ژاپن، پرداخت شود. این مسئله، اهمیت تولید و صادرات پنبه را برای دولت ایران افزایش داد و حتی در محور برنامه‌های دستوری دولت قرار گرفت. برای نمونه در بعضی از مناطق مانند فارس، اصفهان و آذربایجان که قبلاً برنج کاشته می‌شد، بنا بر توصیه‌ی دولت به تدریج کشت پنبه جایگزین برنج شد (سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۸/۱۱۱۱۰۰۹۳۵).

همچنین وزارت مالیه و دولت، کتابچه‌هایی برای راهنمایی و توسعه کشت پنبه به ولایات می‌فرستادند تا بین زارعین و مالکینی که به کشت پنبه می‌پرداختند، توزیع شود (سازمان اسناد ملی، سند شماره ۳۵۷، ۴۳۴، ۲۹۰۰۰۴۳۴، ۵ آ ب ا). برای ایجاد خودکفایی در تولید بذر پنبه مرغوب، در سال ۱۳۱۳ مرکز اصلاح نباتات ورامین تشکیل شد و بخش فنی اداره کل فلاح برای بهبود تولید پنبه و یافتن بذر متناسب با آب‌وهوای ایران، بذر ۷۰ نوع پنبه از کشورهای آمریکا، روسیه و مصر وارد کرد و در مزارع تحقیقاتی ورامین به اصلاح بذر پرداخت (م.ج. مدرسه عالی فلاح کرج، ش. ۷، س. ۱۳۱۴، ص ۹). در سال‌های ۱۳۱۵ و ۱۳۱۷ نیز دولت با توزیع بذر مجانی و پرداخت مساعده در گرگان، زارعیان این منطقه را به کشت پنبه تشویق کرد. علاوه بر این، برای تشویق زراعت پنبه در سال ۱۳۱۸

برای نخستین بار نمایشگاهی از انواع پنبه در شیراز ترتیب داده شد و مناطق مستعد برای کشت پنبه مشخص گردید (سوداگر، صص ۵۲-۱۵۱).

سطح زیر کشت پنبه که در سال ۱۳۱۴ بدون مازندران و یزد ۵۲۷۲۰ هکتار برآورد شده بود، در ۱۳۱۵ به استثنای مازندران و همدان به ۱۰۸۲۸۰ هکتار افزایش یافت و به موجب برنامه ریزی شرکت سهامی پنبه، پشم و پوست برای سال زراعی ۱۳۱۶ قرار شد سطح زیر کشت به ۱۳۵ هزار هکتار برسد، بر طبق برخی گزارش‌های دیگر، سطح اراضی زیر کشت پنبه در برخی از مناطق مرکزی ایران مانند کرمان، ساوه و قم در سال ۱۳۱۶ نسبت به سال ۱۳۱۴ دو برابر شد (مج. بانک ملی ایران، ش. ۱۳، ۱۳۱۶، صص ۲۲-۲۱؛ بهرامی، ۱۳۳۳: ص ۵۷۹ و ۵۸۹). بر اساس گزارش شعبه‌ی بانک ملی کرمانشاه، توسعه کشت پنبه در این ایالت در ۱۳۱۷ نسبت به ۱۳۱۶ پنج برابر و نسبت به ۱۳۱۵ نزدیک ۲۲ برابر افزایش یافته بود (مج. بانک ملی، ش. ۲۴، س. ۱۳۱۷، ص ۱۸۹). همچنین در سال ۱۳۱۷ به علت تشویق‌های شرکت پنبه، محصول پنبه زنجان، ۱۰۰٪ افزایش یافت (مج. بانک ملی، ش. ۳۴، ۱۳۱۸، ص ۵۷). در بهشهر مازندران نیز در اثر مداخله‌ی بانک صنعتی و خرید پنبه برای کارخانه‌ها، رقابتی بین بازرگانان و بانک صنعتی ایجاد شد که در نتیجه‌ی آن سالیانه ۵ تا ۲۰٪ به کشت پنبه این ناحیه افزوده می‌شد (بهرامی، ۱۳۳۳: ص ۲۶۵).

به‌طور کلی تمام گزارش‌های رسمی دولتی و غیردولتی از ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۹ از افزایش تدریجی سطح زیر کشت پنبه حاکی است. آماری در مورد سطح زیر کشت پنبه در اوایل دهه ۱۳۰۰ در دست نیست اما متوسط اراضی زیر کشت پنبه از ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۸، در حدود ۲۰۰ هزار هکتار بود. از لحاظ تولید نیز میزان تولید پنبه با نوساناتی از حدود ۱۴ هزار تن در ۱۳۰۰ به حدود ۴۲ هزار تن در ۱۳۱۸ افزایش یافت.

همچنین دولت، اقداماتی برای توسعه انواع نمونه‌های جدید و مرغوب پنبه انجام داد. در ۱۳۰۲ بذر پنبه از نوع الیاف متوسط آمریکایی به ایران وارد و مورد آزمایش قرار گرفت. این اقدام به وسیله شرکت مختلط پنبه ایران و روس (پرسخلوپوک) که امتیاز کشت پنبه را به دست آورده بود، صورت گرفت. بعداً در نواحی مستعد گرمسار، گرگان، ورامین و مازندران گسترش یافت. در اثر فعالیت این شرکت تا ۱۳۱۲ تعدادی مزارع آزمایشی کشت پنبه در نواحی مختلف دایر و چندین کارخانه پنبه‌پاک‌کنی نیز در مراکز کشت ایجاد شد (واقفی، ۱۳۵۳: صص ۲۴-۲۵). در ۱۳۰۵ نیز بار دیگر کاشت انواع بذرهای

آمریکایی و مصری مورد توجه قرار گرفته و از آن نتایج خوبی به دست آمد. بعده این نوع بذرها به طور فزاینده‌ای مورد استفاده قرار گرفت (Milspough, 1926: p.9).

تولید پنبه نوع آمریکایی به خصوص در مازندران و سبزوار گسترش یافت. به طور کل تا اواخر دهه ۱۳۰۰، ۵۵ تا ۶۵٪ محصول پنبه ایران از نوع پنبه بومی، و فقط ۳۵٪ آن از انواع آمریکایی و فیلیپینی (روستایی در استان تهران) بود اما با اقداماتی که صورت گرفت در اواسط دهه ۱۳۱۰، ۵۵ تا ۶۰٪ پنبه کشور از پنبه نوع آمریکایی و ۴۰ تا ۴۵٪ آن از نوع پنبه بومی بود (مج. بانک ملی، ش. ۱۳، س. ۱۳۱۶، ص ۲۴). به تدریج با رواج کشت نوع پنبه آمریکایی، در ۱۳۱۴ حدود ۷۰٪ پنبه ایران از نوع بذر آمریکایی به دست می‌آمد و در بعضی مناطق نیز زراعت پنبه مصری آغاز شد (مج. مدرسه عالی فلاح کرج، ش. ۱۰، س. ۱۳۱۵، ص ۱۳؛ مج. بانک ملی، ش. ۱۳، س. ۱۳۱۶، ص ۲۴). در نتیجه بهبود به نسبت چشمگیری در تولید پنبه به وجود آمد. علاوه بر این، با توجه به اهمیت پنبه در اقتصاد ایران به ویژه در دوره پهلوی اول، برنامه‌های اقتصادی دولت در واکنش به محرک‌های بیرونی نظام اقتصاد جهانی، از طریق تأسیس شرکت‌های سهامی پنبه و توسعه صنایع نساجی پنبه‌ای، نمود آشکارتری پیدا کرد.

۲.۴. ایجاد صنایع نساجی

برای روشن شدن اهمیت نساجی در اقتصاد ایران و جهان در قرن نوزدهم و اینکه چرا این مسئله توجه دولت و تجار ایرانی را برمی‌انگیخت، لازم به یادآوری است که در قرن نوزدهم منسوجات، مهم‌ترین کالا در تجارت بین‌المللی بود. بسیاری از کشورها مانند انگلستان و ژاپن صنعتی‌شدن خود را با صنایع نساجی آغاز کردند. انگلستان تا ۱۹۱۴م/ ۱۲۹۳ش. بازار عمده تولیدات نساجی را در اختیار داشت و بیش از ۵۸٪ کل صادرات منسوجات جهان متعلق به این کشور بود. در اوایل قرن بیستم نیز بسیاری از کشورهای پیرامونی، نظام اقتصاد جهانی صنعتی‌سازی خود را با نساجی آغاز کردند. به طوری که بعد از جنگ اول جهانی افراد شاغل در صنایع نساجی هند، برزیل و چین به ترتیب ۲۵، ۴۰ و ۴۷٪ جمعیت شاغل این کشورها رسید. در نتیجه بسیاری از این کشورها که خود تا این زمان صادرکننده مواد خام و واردکننده منسوجات بودند، برای حمایت از صنایع داخلی و کنترل واردات بی‌رویه تعرفه‌های گمرکی را به شدت افزایش دادند. ایران نیز همین سیاست اقتصادی را دنبال کرد (مج. بانک ملی، ش. ۱۶، س. ۱۳۱۶، ص ۲ و ۲۴).

از نیمه قرن نوزدهم به بعد، با وجود رشد روزافزون صادرات پنبه، تناسب بین ارزش صادرات پنبه و ارزش واردات پارچه‌های پنبه‌ایی، همواره به نفع واردات بود. برای نمونه طبق برآورد لرد کرزن در ۱۲۶۸ ش. ارزش پنبه صادراتی ایران ۵۰/۰۰۰ تومان! و ارزش کل صادرات الیاف مختلف از جمله پشم نشسته، ابریشم خام و پنبه ابریشم ۱/۹ میلیون تومان بود، در حالی که در همین زمان ارزش کل واردات پارچه‌های مختلف ۳ میلیون تومان بوده که انگلستان با ۱/۸ میلیون تومان بیشترین واردات منسوجات به ایران را داشته است (کرزن، ۱۳۵۰: ج. ۲، ص ۶۶۵). اگرچه در این ارقام ارائه شده توسط کرزن تردید وجود دارد، اما افزایش بسیار چشمگیر واردات منسوجات نسبت به صادرات پنبه و کل انواع الیاف در چند دهه بعد نیز به همین روال ادامه داشت. از مجموع ۵ میلیون لیره صادرات ایران در ۱۹۰۰ م / ۱۲۷۹ ش. ارزش صادرات پنبه خام ۴۰۰ تا ۴۵۰ هزار لیره (در حدود ۱۰٪)، و از مجموع ۸ میلیون لیره واردات، مبلغ ۱/۸ تا ۲/۳ میلیون لیره (۲۲/۵ تا ۲۸/۷٪) آن پارچه‌های پنبه‌ای، و مبلغ ۳۸۰ تا ۴۲۰ هزار لیره تولیدات پشمی و ابریشمی بوده است. در همین دوره در حدود سه چهارم از کل واردات، محصولات پنبه‌ای انگلستان و یک چهارم آن از روسیه وارد می‌شد (عیسوی، صص ۲۰۷-۲۰۸ و ۲۱۳).

در سال‌های اوایل حکومت پهلوی نیز واردات کالاهای پنبه‌ای و نخ پنبه در رأس واردات ایران قرار داشت. در ۵-۱۳۰۴ به طور متوسط، سالانه ۲۰۰ میلیون ریال کالاهای پنبه‌ایی وارد ایران می‌شد در حالی که صادرات پنبه ایران تنها کمتر از نصف این مبلغ را پوشش می‌داد (Fateh, 1926: p.23). این رقم اگرچه در سال‌های بعد نسبت به کل صادرات کشور کاهش یافته و به حدود ۲۵٪ رسید، اما از لحاظ حجم و ارزش میزان واردات منسوجات نسبت به قبل بسیار افزایش یافت. برای نمونه، به موجب قرارداد بازرگانی ایران و روسیه در ۱۳۰۹، ایران معادل ۵۲ میلیون ریال پنبه به روسیه صادر و در عوض مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال منسوجات از این کشور وارد کرد. در نتیجه رضاشاه که از این وضع تأسف‌آور به خوبی آگاه بود، برای تأسیس کارخانجات نساجی اقدامات جدی به عمل آورد (لنچفسکی، ۱۳۵۲: ص ۱۲۹).

افزایش واردات منسوجات در دوره قاجار، تاحدی واکنش حکومت و احساسات مذهبی برخی از تجار برای جلوگیری از واردات بی‌رویه منسوجات و تأسیس صنایع نساجی را برانگیخت. از جمله امیرکبیر ضمن تهیه لباس نظامیان به شیوه اتریشی‌ها، دستور داد تا آن را با پارچه ایرانی درست کنند (شمیم، ۱۳۷۴: ص ۱۶۳). در ۱۲۴۰ ش. نیز

اعتمادالسلطنه یک کارخانه نخ‌ریسی تأسیس کرد که ناصرالدین‌شاه شخصاً از آن بازدید نمود و برای کارکنان کارخانه جوایزی در نظر گرفت (روزنامه دولت علیه ایران، رجب ۱۲۷۸، ص ۵۵۰ و ذی‌الحجه ۱۲۸۰، ص ۶۹۲). در سال ۱۲۷۷ خ. حاج محمدحسین کازرونی با همکاری تجار اصفهان شرکتی به نام کمپانی اسلامی به منظور تأمین نیازهای داخلی و صادرات به کشورهای اسلامی همسایه تأسیس کرد. این کمپانی در اردستان کارگاه‌هایی برپا کرد که پارچه‌ای به نام «اسلامیه» تولید می‌کرد. در ۱۲۸۷ خ. حاجی رحیم قزوینی با ۲/۵ میلیون قران سرمایه کارخانه ریسندگی در تبریز برپا کرد که ۴۰ تا ۵۰ کارگر ۲۰ خروار نخ تولید می‌کرد و تولید آن تا ۶۰٪ سود داشت (بهرامی، ۱۳۳۳: صص ۵۳-۴۵۲؛ اشرف، ۱۳۵۹: صص ۸۳ و ۱۰۰). اما همه این شرکت‌ها به‌جز شرکت حاج رحیم به دلیل ناتوانی در رقابت با شرکت‌های خارجی ورشکست شدند.

در دوره رضاشاه نیز برای حمایت از صنایع نساجی داخلی در ۱۳۰۲ قانون استفاده از لباس‌های وطنی تصویب شد که برطبق آن کلیه کارمندان دولت و افراد نظامی و پلیس مجبور بودند از پارچه‌های وطنی استفاده کنند. برای افرادی که از پارچه‌های خارجی استفاده می‌کردند، جریمه نقدی در نظر گرفته شد. همچنین در شهریور ۱۳۰۳ از کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات ولایات خواسته شد تا درباره نتیجه اقدامات خود در اجرای قانون استفاده از البسه وطنی گزارش دهند (میلسپو، نهمین راپورت، صص ۱۱۷-۱۱۶؛ میلسپو، ۱۳۵۶: ص. ۲۳۲). در ۱۳۰۳ ورود ماشین‌های صنعتی و فلاحتی تا ۱۰ سال از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی معاف شد. در ۱۳۱۱ نیز واردات ماشین‌های فلاحتی و صنعتی از پرداخت مالیات راه و حق انبارداری معاف شد و بر اساس سیاست جدید توسعه صنعتی ایران، توسعه کشت پنبه به‌منظور جایگزینی کالاهای وارداتی از ژاپن، روسیه و انگلستان، مورد توجه قرار گرفت (هاکس، ۱۳۷۱: ص ۷۳).

با وجود مقادیر زیاد پنبه خام در داخل کشور، بدیهی بود که تأسیس کارخانه‌های نخ‌ریسی و بافندگی بایستی جلودار هر نوع توسعه صنعتی در ایران می‌شد. به‌ویژه اینکه کالاهای پنبه‌ای در این سال‌ها مهم‌ترین قلم کالای وارداتی ایران را تشکیل می‌داد (Simmonds, 1935: p. 28). از ۱۳۱۰ ش. با ایجاد سیاست صنعتی‌سازی جایگزین واردات، صنایع نساجی پنبه و پشم گسترش یافت. برای حمایت از صنایع نوپای داخلی سیاست‌های تجاری و گمرکی جدیدی همانند کشورهای مصر و ترکیه آغاز شد. در اثر حمایت‌های دولت به تدریج شمار صنایع ریسندگی پنبه از ۳ مورد در ۱۳۱۲، با یک جهش بزرگ به

۸ مورد در ۱۳۱۳ رسید. در این سال تجهیزات ۱۱ کارخانه بافندگی با مجموع ۶۲/۲۸۸ دوک، از انگلستان و آلمان خریداری و در شهرهای شیراز، اصفهان، کاشان، اهواز، مشهد و سمنان راهاندازی و تجهیزات یک کارخانه پشمبافی در اصفهان سفارش داده شد و یک کارخانه ابریشمبافی در نوشهر با ظرفیت تولید سالانه یک میلیون متر پارچه ساخته شد (Simmonds, Ibid, pp. 521-522).

روی هم رفته تا سال ۱۳۱۶، در حدود ۱۰۱ کارخانه پنبه‌پاک‌کنی تأسیس شد که ۵۲ واحد آن متعلق به اشخاص و مابقی آن متعلق به شرکت‌های سهامی مختلف بود. تعداد کل کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی پنبه تا سال ۱۳۲۰ به ۳۳ واحد رسید که ۲۷ واحد آن را بخش خصوصی و مابقی را دولت یا به صورت مشترک با بخش خصوصی ساخته بود. مصرف کارخانه‌های خصوصی ریسندگی پنبه در ۱۳۲۰، در حدود ۲۶۰۰۰ تن و مصرف کارخانه‌های دولتی ۳۵۰۰ تن بود (زاهدی، ۱۳۲۴: ص. ۱۰۱). به همین ترتیب جمعیت شاغل در صنایع پنبه نیز از ۱۷۶۲ نفر در سال ۱۳۱۳، به ۷۶۵۲ نفر در سال ۱۳۱۵ افزایش یافت که به طور متوسط بین ۲۳ تا ۳۱٪ افراد شاغل در این صنایع کودکان و ۱۰ تا ۱۲٪ آن‌ها زنان بودند (مج. بانک ملی، ش. ۱۷، س. ۱۳۱۶، صص ۴۸-۴۵).

سود بالای تولیدات کالاهای مصرفی باعث سرمایه‌گذاری بیشتر بخش خصوصی در صنایع می‌شد و در نتیجه اقدامات حمایتی دولت از صنایع، به ویژه انحصار تجارت خارجی و تعرفه‌های گمرکی حمایتی، سود کارخانه‌های نخ‌ریسی تا ۱۳۱۶ به حدود ۴۰ تا ۵۰٪ می‌رسید (مج. بانک ملی، پیشین، ص ۵۹). به این ترتیب، ایران تا پیش از جنگ دوم جهانی از لحاظ صنایع نساجی به دومین کشور خاورمیانه بعد از مصر تبدیل شد. صنایع نساجی مصر در کل با ۲۵۱ هزار دوک، در ردیف اول و ایران با ۱۳۳ هزار در ردیف دوم بود و بعد از آن‌ها ترکیه با ۱۰۳ هزار دوک در ردیف سوم قرار داشت. اما بعد از جنگ دوم جهانی صنایع نساجی ایران از کشورهای مصر و ترکیه بسیار عقب ماند. تعداد دوک‌های صنایع نساجی ایران تا ۱۳۳۲ با ۲۲٪ رشد به ۱۶۳ هزار عدد رسید. در حالی که تعداد دوک‌های نخ‌ریسی مصر با حدود ۱۰۰٪ رشد، به ۵۷۴ هزار و ترکیه با حدود ۴۰٪ رشد به ۳۹۱ هزار رسید (Bonne, 1948: p. 306).

۵. نتیجه

نظام سرمایه‌داری جهانی در قرن نوزدهم تأثیرات مهم و پایداری در ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران داشت. یکی از پیامدهای توسعه‌ی نظام

اقتصاد جهانی در ایران تغییر در الگوهای اقتصاد کشاورزی و شیوهی تولید و توزیع پنبه و فعالیت‌های صنعتی و مشاغل حرفه‌ای غیرزراعی مرتبط با آن بود. تحولات نظام اقتصاد جهانی از یک‌سو، و واکنش‌های دولت در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم و چند دهه اول قرن بیستم از سوی دیگر، اثرات متفاوتی بر تولید، تجارت و صنایع و مشاغل مرتبط با آن به وجود آورد. در نیمه دوم قرن نوزدهم به دلیل بحران آمریکا و افزایش تقاضای اروپایی‌ها برای پنبه، ابتدا تولید و صادرات آن به‌ویژه در مرزهای جنوبی افزایش یافت، اما با فروکش کردن این بحران و رشد صنایع روسیه، تولید و صادرات پنبه به شدت تحت تأثیر بازار روسیه قرار گرفت و ایران به‌عنوان یک کشور پیرامونی در مدار تحولات کشور نیمه‌پیرامونی روسیه قرار گرفت. در مقابل، به دلیل افزایش واردات پارچه‌های ارزان خارجی، صنایع پارچه‌بافی سنتی بسیار تضعیف شد و ایران نه تنها بازار صادرات به کشورهای همسایه از جمله قفقاز و استامبول را از دست داد، بلکه به واردکننده عمده پارچه‌های پنبه‌ای تبدیل شد که ارزش آن بیش از ارزش صادرات پنبه خام از ایران بود. این مسئله احساسات مذهبی و ملی‌گرایانه برخی از صاحبان سرمایه و تجار را برانگیخت و باعث شد تا در دوره قاجار اقدامات پراکنده‌ای برای احیای صنایع نساجی و کاهش واردات پارچه انجام شود. اما این اقدامات به دلیل فقدان سیاست بازرگانی مشخص در دوره قاجار به نتیجه نرسید.

پس از جنگ اول جهانی و به‌خصوص پس از بحران اقتصادی ۱۹۳۰، به دلیل کاهش جهانی قیمت پنبه و افزایش تولید نخ مصنوعی، ایران در واکنش به تحولات جهانی اقدامات گسترده‌ای را برای ایجاد صنایع نساجی به‌عنوان بخش پیشتاز صنعتی‌سازی انجام داد. در نتیجه دولت ایران با توجه به اهمیت پنبه در اقتصاد کشور، ناچار بود تا با روش‌های مختلف از جمله سیاست صنعتی‌سازی جایگزین واردات، یافتن شرکای اقتصادی جدید از طریق معاملات پایاپای و تأسیس شرکت‌های سهامی، به تولید و صادرات پنبه و مصرف داخلی آن سمت‌وسو بدهد.

پی‌نوشت

۱. این اثر با مشخصات زیر چاپ شده است:

Wallerstein, Immanuel. *The Modern World System*, (Vol. 1): Capitalist Agriculture and Origins of the European World Economy in the Sixteenth Century, university of California Press, 2011; (Vol. 2): Mercantilism and Consolidation of the European World Economy 1600- 1750, Academic press; (Vol. 3): The Second Era of Great Expansion of the Capitalist World- Economy, 1730- 1840s. Academic Press, California, 1989.

۲. س. و. نوشیروانی. سرآغاز تجاری شدن کشاورزی در ایران. کتاب آگاه: مسائل ارضی و دهقانی، تهران. ۱۳۶۱ و مقاله عبدالله‌یف با عنوان روستائیان ایران در پایان دوره قاجار، ترجمه، در همین کتاب.

منابع

- اشرف، احمد، *موانع توسعه سرمایه‌داری در ایران*، تهران، زمینه، ۱۳۵۹.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، *تاریخ منتظم ناصری*، جلد ۳، ۱۳۰۰ هـ.ق.
- بهرامی، تقی، *جغرافیای کشاورزی ایران*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۳.
- تحویلدار، میرزا حسین خان، *جغرافیای اصفهان*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، ۱۳۴۲.
- جمالزاده، محمدعلی، *گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران*، بنیاد موقوفات ایرج افشار، تهران، ۱۳۷۶.
- رشیدی، علی، *تحولات صدساله اقتصاد ایران در سایه روابط بین‌المللی*، تهران، روزنه کار، ۱۳۸۶.
- زاهدی، علی، *لزوم پروگرام صنعتی شدن ایران و صنایع ایران بعد از جنگ*، تهران، ۱۳۱۰.
- سوداگر، محمدرضا، *رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله انتقالی ۱۳۰۴-۱۳۴۰)*، تهران، فرزین، ۱۳۵۷.
- سیف، احمد، *قرن گمشده: اقتصاد و جامعه ایران قرن نوزدهم*، نی، ۱۳۸۷.
- شمیم، علی اصغر، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران، افکار، ۱۳۷۴.
- طاهراحمدی، محمود، *روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه*، تهران، وزارت خارجه، ۱۳۸۴.
- عیسوی، چارلز، *تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار (۱۳۳۲-۱۲۱۵ هـ.ق)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره، ۱۳۶۲.
- کرزن، جرج ناتانیل، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه وحید مازندرانی، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۵۰.
- کیهان، مسعود، *جغرافیای اقتصادی ایران*، تهران، جعفری، ۱۳۱۶.
- گلیدو، آ.اچ. *اوضاع اقتصادی ایران در قرن بیستم*، ترجمه معصومه جمشیدی و ...، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶.
- لنچافسکی (لزنوسکی)، جرج، *رقابت روسیه و انگلستان در ایران*، ترجمه اسماعیل رائین، تهران، جاویدان خرد، ۱۳۷۷.
- مرکز اسناد ریاست جمهوری، *گزارش‌های ایالات و ولایات از اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران در سال ۱۳۱۰*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.
- میلیسپو آرتور، *هشتمین راپورت رئیس کل مالیه ایران*، تهران، مجلس، ۱۳۰۳.
- میلیسپو، آرتور، *نهمین راپورت رئیس کل مالیه ایران*، تهران، مجلس، ۱۳۰۳.
- میلیسپو، آرتور، *مأموریت آمریکایی‌ها در ایران*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، پیام، ۱۳۵۶.
- واقفی، حسین و محمدرضا مرعشی، *پنبه: کشاورزی و بازرگانی*، تهران، رنگین، ۱۳۵۳.
- هاکس، مریت، *ایران: افسانه و واقعیت*، ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد، محمدتقی اکبری و احمد نمایی، مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۱.

سازمان اسناد ملی، اسناد شماره ۳۵۰۰۰۹۱۱/۲۸؛ سند شماره ۲۹۰۰۰۴۳۴، ۳۵۷ن.آب؛ سند شماره ۶۴۴۷۷-۱۱۸۰۰۷؛ سند شماره ۳۲۰۳۲ / ۲۹۳۰ ص ۱۴ و ۱۵؛ سند شماره ۲۶۰۰۰ / ۹۶؛ اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۱۴، کارتن ۵۲، پرونده ۷۲.
روزنامه اطلاعات، ۱۱ خرداد، شماره ۱۳۳۰، ص ۳، ۱۳۱۰.
روزنامه دولت علیه ایران، صص ۵۵۰، رجب ۱۲۷۸ / سپتامبر ۱۸۶۱، و همان، ص. ۶۹۲، ۲۶ ذی الحجه ۱۲۸۰ / ژوئن ۱۸۶۴
روزنامه وقایع اتفاقیه، شماره ۳۶، ۵۶، ۶۵، ۷۹ و ۸۵ سال ۱۲۶۷.
مجله بانک ملی، شماره ۱۲ خرداد ۱۳۱۶؛ شماره ۱۳، تیرماه ۱۳۱۶؛ شماره ۱۶، مهر ۱۳۱۶؛ شماره ۱۷، آبان ۱۳۱۶؛ شماره ۲۱، اسفند ۱۳۱۶؛ شماره ۲۳، فروردین ۱۳۱۷؛ شماره ۲۴، خرداد ۱۳۱۷؛ شماره ۳۴، فروردین ۱۳۱۸.
مجله مدرسه عالی فلاح کرج، شماره اول اسفند ۱۳۰۹؛ سال سوم شماره ۵، تیرماه ۱۳۱۴؛ سال سوم شماره هفتم شهریور ۱۳۱۴؛ سال سوم، شماره دهم، آذرماه ۱۳۱۵.
نامه کشاورزی، سال نهم، شماره ۴، ۱۳۲۰.

Bonne, Alfred. *State and Economics in the Middle East*, Rutledge, London, 1948.

Burrell, R. M. (ed). *Iran Political Diaries*, London, Archive editions, vol.7, 1997.

Fateh, Moustafa. *Economic Position of Persia*, London. 1926.

Floor, Willem. *Persian Textile Industry, Its Products and Their Use (1500-1925)*, (Paris: L'Harmattan), 1999.

_____. *Agriculture in Qajar Iran*, Mage Publishers, Washington, DC. 2003.

League of Nations. *Commission of enquiry into the production of opium in Persian Government on the report*, publication department of League of Nations, 1927.

_____. *International Statistical Yearbook 1926*, Geneva 1927, 1927.

_____. *International Statistical Yearbook 1926*, Geneva 1936, 1936.

Sayf, Ahmad, *Iranian Handicrafts in the Nineteenth Century: A Note*, *Middle east Studies*, vol. 37, No. 3, Jul. 2003, p. 56, 2003.

Millspongh, A.C. *The Financial and Economic Situation of Persia 1926*, New York. 1926.

Simmonds, S. *Economic Conditions of Iran (Persia)*, Department of overseas trade, London. 19.